

توضیح المسائل

X

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی

خطی

۸۹۶



آورد مثل آنکه قبل از رکوع شک کند که قرائت کرده یا نه و یا در  
 اثنای قرائت شک کند که تکبیر احرام بخواند یا نه و یا در  
 اثنای سجود شک کند که رکوع کرده یا نه و یا در اثنای تشهد شک  
 کند که سجود کرده یا نه و یا در وقت شروع و قیام شک کند که سجود  
 کرده یا نه و اما درین صورت دو نوع آخر و بعضی از مجتهدین  
 بر آنند که سجود را بجا باید آورد و بدانکه هرگاه فعلی از افعال است که  
 فيه راد و محل تلافی کند و بعد از آن ظاهر شود که آنرا بجا آورده  
 بوده پس اگر آن فعل و رکن است نماز باطل میشود و اگر و رکن نیست آن  
 صحیح است و اگر بعد از وقت محل تلافی کند نماز باطل است و خواه آن  
 فعل و رکن باشد و خواه غیر و رکن **بجست دوم** در شک در عدد  
 رکعات بدانکه شک در عدد رکعات نماز مغرب و عشاء و غیره  
 نماز است و همچنین شک کند میان یک رکعت و دو رکعت و هرگاه در  
 نماز چهار رکعتی شک کند و در رکعات واقع شود و مشهور  
 از آن دو از دو صورت **اول** شک در تمام آنست که

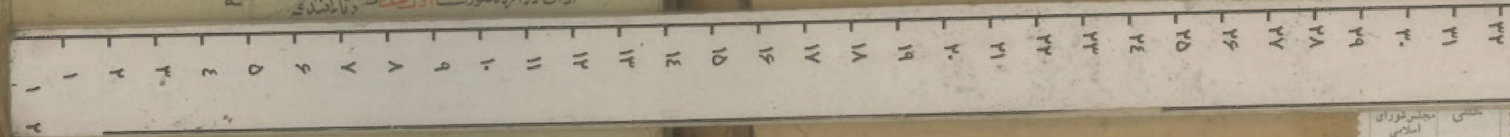
کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	رساله عملیه
مؤلف	
موضوع	
شماره اختصاصی (۸۹۶)	از کتب اهدائی: ۲۱۱۲۸۰



شماره ثبت کتاب

۲۱۱۲۸۰

۸۹۶  
۲۱۱۲۸۰



کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
۸۹۶





آورد مثل آنکه قبل از رکوع شک کند که قرائت کرده یا نه و یا در  
 افتنائی قرائت شک کند که تکبیر احرام بجا آورده یا نه و یا در  
 افتنائی سجود شک کند که رکوع کرده یا نه و یا در افتنائی تشهد شک  
 کند که سجود کرده یا نه یا در وقت شروع در قیام شک کند که سجود  
 کرده یا نه و اما درین صورت در نوع آخر بعضی از مجتهدین  
 بر آنند که سجود واجباً باید آورد و بدانکه هرگاه فعلی از افعال شک  
 فيه دارد محل تلافی کنند و بعد از آن ظاهر شود که آنرا بجا آورده  
 بوده پس اگر آن فعل در آن است نماز باطل میشود و اگر در آن نیست آن  
 صحیح است و اگر بعد از نفوت محل تلافی کند نماز باطلست و خواه آن  
 فعل در آن باشد و خواه غیر در آن **بحث دوم** در شک در عدد  
 رکعات بدانکه شک در عدد رکعات نماز مغرب و عشاء باین  
 نماز است و همچنین شک بدانکه میان یک رکعت و دو رکعت و هرگاه در  
 نماز چهار رکعتی شک کند در دو رکعات واقع شود و مشهور  
 از آن دو امر در صورت **اول شک** در نماز است

۸۹۷  
 ۲۱۱۲۸

۸  
 ۱  
 ۸  
 ۸  
 ۳  
 ۵  
 ۸  
 ۷  
 ۶  
 ۱  
 ۱۱  
 ۸۱  
 ۸۱  
 ۳۱  
 ۵۱  
 ۵۱  
 ۸۱  
 ۷۱  
 ۶۱  
 ۵۸  
 ۱۸  
 ۸۸  
 ۸۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	سالم علیه
مؤلف	
موضوع	
شماره اختصاصی	(۸۹۷) از کتب اهدائی :

کتابخانه  
 مجلس شورای  
 اسلامی  
 ۸۹۷

کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
تهران  
شماره ثبت کتاب ۱۳۷۷

آورده مثل آنکه قبل از رکوع شش کند که قنوت کرده باشد و یا در  
ائتائی قنوت شش کند که تکبیر احرام بجا آورد و یا نه و یا در  
ائتائی سجود شش کند که رکوع کرده باشد و یا در ائتائی تشهد شش  
کند که سجود کرده باشد و یا در وقت شروع در قیام شش کند که سجود  
کرده باشد و اما درین صورت در نوع آخر بعضی از مجتهدین  
و افند که جمیع ادعیا باید آورد و بدانکه هرگاه فعلی از افعال شش  
فیه را در محل تلافی کنند و بعد از آن ظاهر شود که آنرا بجا آورده  
بود پس اگر آن فعل و کن است نماز باطل میشود و اگر کن نیست آن  
صحیح است و اگر بعد از قنوت محل تلافی کند نماز باطل است و خواه آن  
فعل و کن باشد و خواه غیر و کن **جمله دوم** در شش و در عدد  
در رکعات بدانکه شش در عدد دو رکعات نماز مغرب و عشاء و در  
نمازات و همچنین شش کند میان یک رکعت و دو رکعت و هرگاه در  
نماز چهار رکعتی شش کند در عدد دو رکعات واقع شود و مشهور  
آنراست و از روی صورت **اول شش** کردن میان دو و سه

۸۹۷  
۲۱۱۲۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی		شماره ثبت کتاب ۱۳۷۷
کتاب	مؤلف	
موضوع		شماره اختصاصی (۸۹۷) از کتب اهدائی : ۱۳۷۷

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی  
۸۹۷



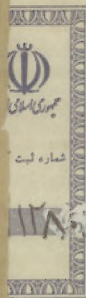
مهری  
شماره  
۱۸

بعد از تمام سجده تین و اتمام آن با نوازش شدن از ذکر سجده آخر  
 اگر چه سر از سجده بر نداشته باشد و واجب است که بنا بر سه فصد  
 و نماز را تمام کند و بعد از سلام دادن یک رکعت احتیاطاً یک سجده  
 بگذارد و دیار رکعت نشسته **دوم شک** کردن میانه  
 سه و چهار و خواه سجده تین را تمام رسانیده باشد و خواه نرسا  
 نیده باشد پس بنا بر چهار رکعت و احتیاطاً بطریق مذکور معتز بجای  
 آورد **سوم شک** کردن میانه دو چهار و بعد از اتمام سجده تین  
 بنا بر چهار فصد و دو رکعت ایستاده بجهت احتیاط بگذارد و شیخ  
 ابن بابویه شک میانه دو و چهار را معتدل نماز میدانند **چهارم شک**  
 کردن میانه دو سه و چهار و بعد از اتمام سجده تین و سه  
 بنا بر چهار فصد و دو رکعت احتیاطاً ایستاده بگذارد و دو رکعت  
 نشسته و معتز است و در تقدیم هر کدام که خواهد و بعضی از مجتهدین  
 بر آنند که دو رکعت نشسته را مقدم باید داشت **پنجم شک** کردن  
 میانه دو و پنج و بعد از اتمام سجده تین **ششم شک** کردن میانه سه و

خطی  
کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی  
۸۹۶

پنج بعد از رکوع و اما اگر قبل از رکوع این شک واقع شود و آن  
 رکعت و منتهی سازد تا شک او میانه دو و چهار شود و حکم او نیز  
 مذکور شد و اما بر دو و سجده سهو واجب است بواسطه آنکه در وقت قیام  
**هفتم شک** کردن میانه دو سه و پنج و بعد از اتمام سجده تین **هشت**  
 شک کردن میانه دو و چهار و پنج و بعد از اتمام سجده تین و  
 درین چهار صورت مجتهدین را دو وجبات یکی آنکه بنا بر یک سجده  
 و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنکه نماز باطلت و در صورت آخر وجهی دیگر  
 گفته اند و آن بنا بر چهار رکعت و دو رکعت ایستاده بجای آن  
 دو و سجده سهو کردن **نهم شک** کردن در میانه دو سه و چهار و پنج  
 بعد از اتمام سجده تین و این حکم صورت هشتم دارد و باید یا  
 دنی و دو رکعت احتیاطاً نشسته و اگر خواهد یک رکعت بجای آن  
 ایستاده بگذارد **دهم شک** کردن میانه چهار و پنج پس اگر  
 بعد از سجده است سلام دهد و دو سجده نماز آورد و اگر قبل  
 از رکوع است و آن رکعت را منتهی سازد تا شک او چهار **یازدهم**

بسی خفیات در گذاردن بکلمت احتیاط ایستاده و باید و رکعت  
نشسته و دو سجده سهوی بخواند و اگر بعد از رکوع است بعضی  
از مجتهدین نماز را باطل میدانند و بعضی مثل شک قبل از رکوع  
میدانند یا **از دوم شک** کردن میانه سه و چهار و پنج و درین  
صورت بعضی از مجتهدین بر آنند که بنا بر سه و نه نماز را تمام کند  
و نماز احتیاطی نکند و بعضی بر آنند که بنا بر چهار و نه رکعت  
احتیاط ایستاده بگذارد و دو سجده سهوی بخواند و **از دوم آنکه**  
شک بعد از رکعت ششم کرد و درین صورت بعضی مجتهدین  
بر آنند که نماز باطل و بعضی بر آنند که بنا بر یک رکعت  
و حکم آن مثل حکم قتل شک رکعت پنجمت و هرگاه در عدد  
رکعات نماز شکی واقع شود و معنی خفیات در بنا  
بر اقل و بنا بر اکثر و بنا بر اقل افضل است **فصل**  
در آنکه آنچه در اصل نماز واجب است  
در نماز احتیاطی



و استقبال قبله و سوره و نیت و تکبیر و احرام و  
تشهد و تسلیم و چهار آوردن تک آن واجب است که در نماز اصل  
واجب است از آن قصد نماز احتیاط دوم تعیین بکلمت یا دو رکعت  
و سیم تعیین آنکه ایستاده گذاردن میشود یا نشسته چهارم  
تعیین نماز یک احتیاط بروت و درین نماز بعد از فاتحه سوره  
باید خواند و فاتحه را بلند خواندن جایز است و تسبیحات اربع  
قائم مقام فاتحه نمیشود و نیت چنین کند دو رکعت ایستاده  
میکنارم جهت احتیاط فلان نماز از برای آنکه واجب است  
و اگر تقریب بخدا و اگر نوشته میگذارد قصد نیت کند و  
اگر بعد از وقت قصد قضا کند و هرگاه میانه نماز اصل و نماز  
احتیاط معافی واقع شود و مثل استند با قبله یا حدث یا فعل کثیر  
و درین صورت بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز اصل باطل نمی  
شود و اولی بطلان است و هرگاه در انسانی نماز احتیاط ظاهر شود  
که نماز اصل کرده و بعضی از مجتهدین بر آنند که نماز را



تمام کند چیزی بر ولا دم نیت و بعضی بر آنکه نماز اصلی باطل  
 میشود و اعاده آن باید کرد و قیود و احوط و اگر بعد از  
 قانع شدن از نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصلی کم بوده و آن  
 الثقات نگیرد و نماز بصیحت و اگر در آن نای نماز احتیاط ظاهر  
 که نماز اصلی درست بود و در صورت نماز احتیاط نافذ میشود  
 و مصلحت بخیر است و میان قطع و تمام آن بدانکه هرگاه شخصی که نماز  
 احتیاط بر او واجب شده باشد در آن کند و نماز را از یک چیز  
 و آن نماز از دست او ساقط نمی شود و واجب است بر او که احتیاط را  
 که شارع فرموده بجا آورد و اگر نماز احتیاط را بعد از اعاده نماز  
 اصلی بجا آورد و درین صورت نیز نماز در وقت او باقی است  
 و بجهت آنکه فعل نمایی در میان نماز اصلی و نماز احتیاط واقع  
 شده و آن نماز نیست که بخلاف شرع کرده **خاتمه و بیان احکام**  
 نماز قضا و نماز سفر و نماز خوف و نماز جماعت و در آن چهار  
 فصل است **فصل اول** در بیان احکام نماز قضا و هرگاه

مهری  
 شماره ثبت  
 ۱۸

خطی  
 کتابخانه  
 مجلس شورای  
 اسلامی  
 ۸۹۶

نمازی از نمازهای یومیه از شخصی فوت شود و آن شخصی در  
 وقت فوت آن نماز بالغ و عاقل و خالی از حیض و نفاس بوده  
 باشد و قضای آن نماز بر او واجب است و پس اگر نماز در وقت  
 حیض یا وقت نفاس یا وقت نفاس فوت شود قضا ندارد و نیز  
 همچنین هرگاه کافر اصلی مسلمان شود و نماز اتمام کند و قضا  
 ندارد و اما اگر کسی که فرزند هرگاه مسلمان شود واجب است بر او  
 قضای نمازهای ارتداد و همچنین نماز یک روز و یک شب و یا  
 وقت مسی از شخصی فوت شود و قضای آن نیز واجب است و اگر  
 شخصی چیزی بخورد که موجب خوابی شود و هر وقت نماز در وقت  
 باشد بر او که تمیز آن که خوردن موجب این چنین خواب است  
 بر و قضای آن نماز واجب نیست و اگر میدانست که موجب چنین  
 خواب است و اما آنرا بواسطه حال مرض قضا و روزه و علاج  
 بقول طبیب حادث مختصر دان بوده درین صورت نیز قضای  
 آن نماز واجب نیست و همچنین قضا ندارد و اگر بگوید آن را

نماز

مخبر آورد و داده باشند اما اگر نه بواسطه مخالفت تالیف و  
 نموده باشد و یا بقول طبیب غیر صادق حذر ده باشد و یا علی بن  
 دران بنوده باشد و درین سه صورت قضا برو واجب است و هر  
 شخصی سنی شیعه شود برو واجب نیست که نمازیکه در ایام تسبیح  
 کرده قضا کند و اما واجب است که نمازیکه در ایام تسبیح برو  
 واجب بوده از وفوت شده قضا کند و اگر شخصی محض باشد  
 باشد و تا آخر وقت نماز نه آب یابد و نه خاک که وضو سازد و یا  
 تیمم کند و نماز از وساطت میشود و اما در وجوب قضای  
 آن میان مجتهدین خلافت و ادنی قضاست و اما اگر از وقت  
 آن مقدار نماند گذشته باشد که طهارت و نماز در آن مجبائی  
 نماند آورد و عملاً نماز نکرده باشد و بعد از آن آب و خاک  
 نیابد و درین صورت قضای آن نماز برو واجب است و بدینکه  
 هرگاه نمازی از شخصی فوت شود و آن شخص در آن وقت صحیح  
 باشد و قادر بر قیام و بر هر افعال متعلقه بنهار بوده باشد و آن

مخص

مخص را نماز است که در ایام بیماری و عدم قدرت بر قیام  
 و بعضی افعال آن نماز را واجب مقدور قضا کند لازم  
 نیست که منتظر ایام صحت و قدرت بر هر افعال باشد چه بیمار  
 قادر بر قیام نباشد نماز است که نوشته نماز نگذار و خواه  
 ادا و خواه قضا و اگر برنشست قادر نباشد بر جانب راست  
 خوابیده نماز کند و اگر از آن علیحد آید بر جانب چپ  
 و چون از آن عاجز شود بر پشت خوابد بطریق وقت احتیاط  
 موت و رکوع و سجود را با اشارت هر حیاء آورد و اگر از  
 اشارت بسیار عاجز باشد بچشم اشارت کند و درین  
 دو صورت سجود را از رکوع مخفض تر سازد و قرائت  
 و تلقی از کلام را بجا آورد و اگر از آن افعال عاجز باشد  
 افعال نماز را بترتیب بخاطر بگذراند و اگر بیماری  
 که نوشته نماز میگذارد و در اثنای نشستن قدرت  
 بر قیام پیدا کند باید که بایستد و قرائت کند و اگر



قراعت و اتمام کرده باشد این استاد بجهت رکوع باشد  
 و در آن رکوع بقیام واجب و اگر از قیام عاجز آید بنشیند و اما  
 در حال انتقال از قعود بقیام یا از قیام بقعود قراعت نکند  
 و اگر بیماری نباشد رکوع میکند و بعد از رکوع و قبل از  
 سجود قدرتی بقیام پیدا کند و باید که باسد و بعد از  
 استاد بجهت سجود خم شود و در آن رکوع بقیام لازم است  
 و در هر این احکام میانه ادا و قضا فرق نیست **نکته**  
 ترتیب در نماز قضا از جمیع از جمیع واجب پس رکوع  
 از شخصی نماز ظهری و عصری فوت شده باشد و نداند که اول  
 کدام فوت شده و درین صورت سه نماز بگذارد بیک  
 عصر یا این دو ظهر یا یک ظهر یا این دو عصر و اگر با ظهر و عصر  
 مغربی فوت شده باشد در خصوصیت بیه نماز ندارد  
 وقت او بر می میشود و باین طریق که ظهری بگذارد و با عصری باز  
 مغربی یا ظهری یا عصری یا ظهری و با عصری و با عصری

آنست که قبل از مغرب و بعد از آن ظهری و عصری و ظهری  
 بگذارد پس بقیعت نماز وقت او بر می میشود و اگر با ظهر  
 عصر و مغرب و عشا فوت شود نماز زده نماز رک بگذارد و یکی  
 از آن چهار را بگذارد و دیگری را بعد از آن و با یکی دیگری را  
 بگذارد و دیگری را بعد از آن باز دیگری را - دیگری را بعد از آن  
 با یکی دیگری را و - دیگری را بعد از آن و با یکی دیگری را است  
 که آن وقت نماز را که مذکور شد قبل از عشا و بعد از عشا  
 بگذارد پس بیا زده نماز وقت او بر می میشود و اگر با  
 آن چهار صبحی فوت شده باشد بقیعت و پنج نماز بگذارد و یکی از  
 پنج چهار دیگر و بعد از آن باز دیگری و چهار دیگر و  
 بعد از آن و همچنین تا پنج نوبت نماز بترتیب بگذارد و بعد  
 از آن صبحی بجا آورد و **نکته** اگر از شخصی یک نماز از  
 نمازهای یومیه پنج گانه فوت شود و نداند که کدام نماز  
 است پس اگر در حضر فوت شود صبحی و مغربی و چهار رکعت

را اطلاق کند میان ظهر و عصر و عشا و در چهار رکعت  
 آن مختار است و همچنین مختار است میان چهار رکعت و در  
 هر نماز یک اطلاق کند میان نماز عصر و نماز اخفات و در  
 و اگر در سفر فوت شده باشد مغرب بگذارد و دو رکعت  
 مطلق میان صبح و ظهر و عصر و عشا و اگر مستحب باشد و نذر  
 که در سفر فوت شده یا در حضر و رکعتی بگذارد و مطلق  
 میان صبح و ظهر و عصر و عشا و چهار رکعتی مطلق میان ظهر  
 و عصر و عشا و مغرب بگذارد و اگر دو نماز فوت شده باشد پس  
 اگر در حضر فوت شده چهار نماز بگذارد و در سفر و چهار  
 رکعتی و چهار رکعت اول را اطلاق کند میان ظهر و عصر  
 و چهار رکعت دوم را میان عصر و عشا و مغرب میان دو چهار  
 رکعتی بگذارد و تا ترتیب حاصل شود و اگر در سفر فوت شده  
 باشد سه نماز بگذارد و دو رکعتی مطلق میان صبح و ظهر و عصر و  
 بعد از آن مغرب و بعد از مغرب دو رکعت مطلق میان ظهر و عصر

و عشا و اگر مستحب باشد و نذر کند آن دو نماز در سفر فوت شده  
 یا در حضر پنج نماز بگذارد و دو رکعتی مطلق میان صبح  
 و ظهر و عصر و بعد از آن چهار رکعتی مطلق میان ظهر و عصر  
 و بعد از آن مغرب و بعد از آن دو رکعتی مطلق میان ظهر  
 و عصر و عشا و بعد از آن چهار رکعتی مطلق میان عصر و عشا و اگر  
 سه نماز فوت شده باشد پس اگر در حضر فوت شده و پنج نماز بگذارد  
 را ترتیب بگذارد و اگر در سفر فوت شده چهار نماز بگذارد و دو  
 دو رکعتی مطلق میان صبح و ظهر و دو رکعتی مطلق میان ظهر  
 و عصر و بعد از آن مغرب و بعد از آن دو رکعتی مطلق میان عصر  
 و عشا و اگر نذر کند آن سه نماز در حضر فوت شده یا در سفر فوت  
 نماز بگذارد و دو رکعتی میان صبح و ظهر و بعد از آن ظهر و عصر  
 تمام و بعد از آن دو رکعتی مطلق میان ظهر و عصر و بعد از آن  
 مغرب و بعد از آن دو رکعتی مطلق میان عصر و عشا و بعد از آن  
 عشا و تمام بگذارد و اگر چهار نماز فوت شده باشد پنج نماز حاضر















۱۹۶

[illegible]

2









۱۹۶

[illegible]

از پیشکاران بر کوی و دروین صورت واجبات کسرا  
 که کوی بر دارد و متابعت پیشکار در کوی کند و متابعت است که  
 ناموم را سلام داده و قبل از آنکه پیشکار سلام دهد و خواه  
 مرودت داشت باشد و خواه نباشد اما بعد از آنکه نیت افراد  
 کنند و همچنین طاعت است که در انشائی نماز نیت افراد نماید و  
 پیشکار نماز را مقرون بکند و مکرر و مکرر بکند  
 و در آن وجه است و متابعت از پیشکار و نماز عیدین و قن و کوی  
 شود هرگاه ناموم در انشائی نماز نیت افراد کند و در آن افراد  
 قبل از آنکه پیشکار بخرد و بخواند لازم است که پیشکار  
 و سوره و کسب و کسب و کسب و کسب و کسب و کسب و کسب و کسب  
 خود را بخواند و در آن پیشکار از پیشکار نکرده و بخواند  
 بخواند بخواند و اما اگر بخواند سوره باشد و اگر در انشائی بخواند  
 پیشکار سوره را بخواند یا تسبیح را بخواند و کسب لازم است  
 که تسبیح پیشکار بخواند و بخواند و ناموم تسبیح را بخواند و در آن

خط  
 کتب  
 ۸۹۶

و تسبیحات اربعه بخواند و ساقطی شود و خواه نیت پیشکار  
 بشود و خواه نشود و اما تسبیح را بخواند و اگر در کوی و عید  
 و تسبیح و سلام و در آن تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح  
 ساقط نشود و بعضی از تسبیحین فراموش کردن ناموم را  
 ساقط است و بعضی از تسبیحین ساقط است و مکرر که ناموم فراموش  
 تسبیح را را تسبیح و در تسبیح و در تسبیح و در تسبیح و در تسبیح  
 و اما در آن تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح  
 باشد و در آن حال نیت است و اگر در کوی و در کوی و در کوی و در کوی  
 که تسبیح را در آن نیت باشد و در تسبیح و در تسبیح و در تسبیح و در تسبیح  
 و در کوی و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح  
 تسبیح را در آن کوی و در آن و در آن و در آن و در آن و در آن و در آن  
 در تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح  
 خود را بخواند و تسبیح را بخواند و تسبیح را بخواند و تسبیح را بخواند  
 ساقط است که در وقت و در آن تسبیح و تسبیح و تسبیح و تسبیح



بر روی زمین بگذارد کام بر نهاده و اگر وقت رسد که پیش از  
سرازم و کعبه بروا شد و چون فرقه دیافقی که در سجده اول  
و در نماز و صورت سستاست که بنیت اعتقاد تکبیر احرام  
بجا آورده باشد نماز عید کند و چون پیش از سجده رکعت  
دوم بنشیند و یا او برخیزد و غیب نماز از سر گیرد و بعضی  
از جهت همین جلوسه که نیست اول کعبه است و احتیاج بنیت دیگر  
و اگر وقت فرقی برسد که پیش از نماز سجده و در سجده باشد  
و بنشیند نشسته است که بعد از نیت تکبیر احرام  
با او بنشیند و ذکر سجده کند و پس اگر نشیند آخر باشد تمام  
آنقدر صبر کند که پیش از سلام دهد و بعد از آن برخیزد  
و نماز خود را همان نیت اعتقادی سابق تمام کند و اگر نشیند  
اول باشد پیش از برخیزد و نماز خود را با نیت با تمام بنما  
و هرگاه صاموم در رکعت آخر یا پیش از او ایستاده باشد و پس  
غیبت است و در دو رکعت باقی که سفر می کند و صیانه می

نسخه  
۱۹۶

و پیش از آنکه بنشیند  
و اگر پیش از آنکه بنشیند احرام و یا نیت  
و هیچ است که اگر او باشد بر صاموم و نیت که در یکی از دو رکعت  
خود قائم بنشیند و احتیاج بنشیند کند و اگر شخصی بر این طریقه  
پیش از نیت ایستاده باشد و نماز عید است که آنست که وقت  
کند و اگر بخواهد سجده نماید و قائم باشد و اگر بطلان نماز است  
نکند نماز باطلت و اگر در نماز ایستاده است که در پیش نماز  
بر سجده رود و او نیز برخیزد و در نماز است تجدید نماز یا اگر  
در وقت خفتن و در حال تکبیر قبل از ذکر یا اگر او را نماز  
است که منتهای نماز صیاحت را است و اگر در وقت و صفای او را  
مخصوصاً از وضو و تقوی که نماز دارد و اگر تمام نماز یک شخص را باشد  
و در نماز است پیش از آنکه ایستاده و اگر او ایستاده باشد و اگر او ایستاده باشد  
پس بر پیشانی او ایستاده و اگر او ایستاده باشد و اگر او ایستاده باشد  
صفت پیشانی ایستاده و تمام بر پیشانی نکند و اگر او ایستاده باشد و اگر او ایستاده باشد

و بر شخصی واجب است که بالغ و عاقل باشد و عین و بدن باشد  
و مالک مضایب باشد متغیر که عشاء الله تعالی مذکور می باشد  
شده و قدرت داشته باشد که مال خود را تصرف نماید پس در مالی  
که غصب شده باشد زکوة حین و زکوة طلاق و زکوة و اذن و قرض  
واجب است که در هر یک **سه شل** اگر **سه شل** داشته  
باشد اگر چه آن **سه شل** متروک شده باشد و کسی که تمام  
ماله نکند پس در شش ماه طلاق و طلاق الاثنت و نفقه الاثنت  
زکوة حین و همچنین در زکوة طلاق اگر چه در آن مالک آن  
**سه شل** و **سه شل** هر یک از طلا و نفقه و مضایب و سبیه باشد  
و مضایب طلا حین متغیر شریعت و در کف و زینت متغیر است  
زکوة حین و اگر چه حین متغیر باشد و متغیر باشد متغیر باشد  
شود و در آن زیاد و زکوة حین تأخیرها متغیر است و همچنین  
اگر چه حین و جمیع متغیر یک متغیر باشد و متغیر باشد متغیر باشد  
شود و در آن زکوة حین و تا وقتی که جمیع متغیر متغیر باشد و در آن

و مضایب نفقه و ویت در حسن و در کفر از آن زکوة حین  
و همچنین اگر چه ویت در جمیع دنیا و در نفقه و در آن زیاد  
زکوة حین و تا وقتی که جمیع در جمیع دنیا و در نفقه و در آن  
للا و نفقه یک و الله و نفقه و یک است و زکوة حین متغیر است  
در متغیر است و زکوة هر چه در متغیر است که هر چه در یک متغیر است  
و زکوة و ویت در جمیع در جمیع است و زکوة هر چه در جمیع در  
و ویت در جمیع در یک است **سه شل** و متغیر است و یکی است  
مضایب مدت بازده ماه در مالک آن کسی باشد در دین یا در ماه  
**سه شل** و در مالک آن کسی و در مالک آن ماه و از زکوة و نفقه و سبیه  
و اگر در آن کسی این مدت جمیع است و متغیر است و مضایب تلفت شود و یا  
بعضی شخصی داده شود و یا بعضی طلا الاثنت و یا نفقه الاثنت  
یا سطلن ساز و زکوة ساقط میشود و هر چند متغیر کرده باشد  
که تا زکوة بر او واجب نشود و بعد آنکه قرض دارد یا مانع زکوة نمی  
شود پس اگر محظوظ مالک و ویت در جمیع یا زکوة و ویت در جمیع





سار و نادر وقت و آن آن زکوة عوض آن میخور رساند و هر که  
 و فکری و این اجناس یکبار و ده باشد و دیگر و آن زکوة آن  
 و حب نیست اگر چند سال بروی کند **فصل پنجم** در بیان  
 زکوة شرف و کاه و کوفت و زکوة اینها و اجیاست بجهان  
**فصل ششم** آنکه مدت بازده ماه و در مالک این کس باشد **فصل هفتم** آنکه در  
 مدت مذکور وقت آنرا و اجریان باشد و در مال صاحب  
 آنکه در وقت مذکور شرف و کاه و کوفت اینها باشد و شرف و کاه  
 و زمین شایسته **فصل هشتم** آنکه منجانب برسد  
 و کس که از این شرف و کاه و کوفت و شرف و کاه و کوفت  
 زکوة هر یک شرف و کاه و کوفت است و چون به بیت و شرف  
 رسد زکوة آن یکفر شرف و کاه و کوفت تمام کرده باشد و در  
 سال دوم شده باشد و چون به شرف و کاه و کوفت یکفر شرف  
 ماه است و در سال سوم شده باشد و چون به شرف و کاه و کوفت  
 یکفر شرف و کاه و کوفت رسد که در سال چهارم داخل شده باشد و چون

نست

نبشت و یک رسد زکوة یکفر شرف و کاه و کوفت رسد که در سال پنجم  
 داخل شده باشد و چون به شرف و کاه و کوفت رسد زکوة در شرف و کاه  
 است که در سال ششم رسد باشد و چون به شرف و کاه و کوفت رسد  
 زکوة و در شرف و کاه و کوفت رسد که در سال هفتم داخل شده باشد  
 و چون به شرف و کاه و کوفت رسد زکوة و در شرف و کاه و کوفت رسد که در سال  
 است که در سال هشتم داخل شده باشد و در شرف و کاه و کوفت رسد  
 یکفر شرف و کاه و کوفت رسد که در سال نهم داخل شده باشد و کاه  
 تا به شرف و کاه و کوفت رسد و چون به شرف و کاه و کوفت رسد آن یکفر  
 که سال است و شرف و کاه و کوفت رسد که در سال دهم داخل شده  
 باشد و چون به شرف و کاه و کوفت رسد زکوة یکفر که سال است که در سال  
 ششم داخل شده باشد و کوفت تا به شرف و کاه و کوفت رسد زکوة ندارد  
 و چون به شرف و کاه و کوفت رسد زکوة یکفر که سال است و چون به شرف  
 و کاه و کوفت رسد و در سال کوفت رسد است و چون به شرف و کاه و کوفت  
 رسد زکوة یکفر که سال است و کوفت رسد است و چون به شرف و کاه و کوفت









[illegible]

۱۰۰

[illegible]













بشود و بخت نازد آنکه در مسکنین و اطمینان و اوست و اگر که  
 از آن غلبه شود و سه روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 آنست که شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 بخت نازد و در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 که در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 از این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 پس و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 داشته باشد که سال یکی بیشتر باشد و سال یکی کمتر باشد  
 سال و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 است که بالغ است و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 بیشتر است و اگر هر دو در سن باشد و ده روز و ده روز و ده روز  
 را داشته باشد و اگر هر دو در سن باشد و ده روز و ده روز و ده روز  
 قضاای بگردد و واجب است که هر یک که از آن روز

کتاب الفقه  
 جلد اول  
 فصل اول  
 در قضا

کتاب الفقه  
 جلد اول  
 فصل اول  
 در قضا  
 ۸۹۶

قضا کنند و در هر یک سال یک بار و ده روز و ده روز و ده روز  
 و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 آنست که شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 هر دو بالش و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 که در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 مطلق و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 اول آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 دوم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 سوم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 چهارم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 پنجم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 ششم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 هفتم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 هشتم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 نهم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز  
 دهم آنکه شخصی در این شهر و ده روز و ده روز و ده روز و ده روز

















شکوفه و گل بر کف دست چپین آویخته  
 کمرین **در** هر که سنگ یا صابون داشت باشد در چشم  
 کشیده **در** فغان او تاب مکتب گشت **در**  
 در اعتکاف دادن مکتب حاکم است در مسجد جامع شده  
 روزی در آن روز و مقصد هر چه بود و در آن توایب غلام است  
 اگر دود روز کمتر باشد و مضامین او ایستاده و در آن  
 پناه اصل فقه علیه و آله هجرت و در آن توایب غلام است  
 میفرمودند و روزی در آن روز و مقصد هر چه بود و در آن  
 سه روز کمتر بود و در آن توایب غلام است  
 و هرگاه شخصی بپوشد در روز اعتکاف نماید و روز  
 سیم واجب میشود اگر چه روز و ایستاده و در آن توایب  
 در آن توایب غلام است و در آن توایب غلام است  
 کشیده و اگر در آن توایب غلام است و در آن توایب  
 که در مسجد و یا در آن توایب غلام است و در آن توایب

چنانکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 نشستن در آن توایب غلام است و در آن توایب  
 اگر در آن توایب غلام است و در آن توایب  
 چنانکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 و یا آنکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 خارج است که هر که از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 راه چو آنکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 و یا آنکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 شش روز و یا آنکه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 و هر چه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 اعتکاف است و ایستاده و در آن توایب غلام است  
 لازم میشود که هر چه از او و جانشان و چنانکه از او و جانشان  
 و شب اعتکاف نماید و ایستاده و در آن توایب غلام است  
 همچنین اگر در آن توایب غلام است و در آن توایب

و اگر سر کشف و خود را بکشف نمود و در افشای آن در دنیا  
تا که از بهر محبت کشف نمود و اگر کاره لازم می بیند و در کفایت او  
حجت نمود و در کفایت او حجت نمود **فصل**  
از کتاب جامع شامی و در بیان حاج و شری و آنکه در ذاتی متوجه  
عقل متکلیف است و مقوله در آنکه هر کس که از اعظم ارباب عالم  
دانش است و چون واجب شود تا خود را در آن کند و مقوله است  
حدیث این مضمون را در است که هر کس که در محبتی چه واجب شود  
در آن که تا آنکه مانع شریف نداشته باشد و هر چه در آن  
در وقت ضرورت سلطان غرضی را به بلکه با خود و خود را در آن  
از حدیث در آیات بسیار و در کتب قراب چه از حضرت رسالت  
صلی الله علیه و آله و از حضرت ائمه معصومین صلوات الله علیه و  
علوم اجماعی و از شیخ و از اخبار و منقول است که کتب معتبره است  
حضرت بقرین و آنکه علی الله آمده و کتبی و سوره و از انظار  
خود و بجز چه حجت الله بر او آمده و چون در آنجا رسیدم

مجلس  
تفسیر  
۸۹۶

و نتایج فواید شده و در من هر چه عرض و حال دارم و پس از این  
که سال خود را در وجهی از وجه و در هر یک تا آنکه قراب آن مثل آن  
چه باشد و در حدیث غیر از حدیث علی و آله و اهل بیت است که در حدیث  
کبر و در حدیث که بگویند بر نویسند و آنکه آنکه در حدیثی در حدیث  
سبحان خود را و در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
و بعد از آن حدیث غیر از حدیث علی و آله و اهل بیت است که در حدیث  
چه حدیث که در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
در حدیثی که در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
حدیثی در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
حدیثی در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
حدیثی در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت  
**فصل** در بیان بعضی از ادب و در حدیثی در حدیثی  
باید که در حدیثی در حدیثی و قراب آن قراب چه حجت











19

22







مستحق محظوظ و عینه تلبیسات را قطع کند و بعضی از نجسین  
بر آنند که در آن وقت قطع تلبیسات واجب است و اما آن دوازده  
است که در احرام مستحب است **اول** حجام رفتن **دوم** شستن  
چهار مرتبه با صابون و هرگز نباید **سوم** بکردن سبیل و سب  
و به و عیون آن **چهارم** نكلم کردن بعضی تلبیسات و قرائت در  
دست بردن و حاجت هر چه **پنجم** و نجوای اهل بیت گفتن  
**ششم** بخوابیدن و فرشی که سفید باشد **هفتم** خورشییدن  
هر چه صیغه احرام نداشته باشد که اگر احرام داشته باشد  
نماید آن سوزی حرام است **هشتم** غسل کردن از برای غسل  
ساختن بدن نه از جهت سنت و تلبیسات و غیر آن **نهم** آنکه  
بیاضه احرام از غریب نباشد و **دهم** آنکه میل میل باشد و بعضی  
خطها داشته باشد **یازدهم** آن که سیاه باشد و **دوازدهم**  
آنکه در امتداد احرام باشد اما احرام هر چه بین باشد و اگر  
در آشیای احرام هر چه بین شود بی شستن آن مکروه است

کتاب احرام  
۸۹۶

و اما آن بیت چهارم را هر که در حال احرام بپوشد آن حرام است  
**اول** شستن کردن و با نخودی را شستن کردن و با کف دست  
که فلاخن شستن است و با آلات شستن مثل آب و سبک  
و دام و تیس و تفلک و شستن و آن که شستن کند و بپوشد  
اما در غسل است و پوشش **اول** آنکه آن حیوان را بی شستن  
شستن کرد و حیوان را بی احرام نیست و حیوان را بی شستن  
نباشد که در آب غرق کند پس شستن کردن تا از او در دل و باقی  
حیوانات که در غلظت و شستن حرام است و **دوم**  
آنکه صغری که گوشت آن جانور حلال باشد و مثل قو و کلاغ  
و غیر آن پس شستن کردن حیوان که گوشت آن حرام است و مثل  
خوک و بک و جوی و باز و در حال احرام حلال است و اما از  
حیوانان را اینست گوشت آنها حرام است شستن جانور است که آنرا  
شستن کرد و در حال احرام حرام است و آن شستن و رو به و خار  
نباشد و سوز و جوی و است و اگر نخودی در حال احرام شستن کند

و آن نیکار و در ملک او نمی شود واجب است که آنرا در هاستند و معز  
 گوشت آن نیکار را بی بچرم درشت و اگر چه دیگر او را نیکار که  
 باشد و هر چه نیکار که محرم باشد و می خورد است و خوردن گوشت  
 آن بر محرم و غیر محرم حرام است **مجموع** از بیت چهارم آنکه در  
 حال آخر بصل است حیاء گوشت و مقدسات آن مثل آب و  
 دست بازی کردن و لجاجت خود و عقده و تکلم بیجا از برای دیگر  
 بر یک عقده و تکلم گفتن و آن عقده باطل است و اما بعد از  
 طلاق و گفتن آن حد بحد آنکه میان همه می باشد که  
 جهالت **مجموع** که گناه شدن بر عقده و تکلم گواهی دادن و آن  
**چهارم** بر کردن مشک و غیره و خوردن و آشامیدن و در  
 بر کردن رنگ و ککلی و خنجره و اما شد آن می باشد و چون  
 خلافت و فتح آنست که بر کردن آن از نیکو است و اما شد  
 بری مشک و غیره و اما شد آن که جهانیه کعبه می ماند و حاکم  
 و همچنین حاکم است شستن بر لباسی خنجره که در میان صفای

می باشد **مجموع** پیشانی گرفتن محرم از بوی های میوه **ششم** شستن  
 بر بدن مالیدن خول صوفی و باشد و خواهنش **مجموع** و پیشانی  
 مرد و رختی را که دوخته باشد یا شنبه دوخته و چنانکه قبل  
 ازین مذکور شد **هفتم** پوشیدن چوبی که پشت پای را  
 می بیند **مجموع** آن که شتر را در نیکو است بجهت زینت و زینت  
 آنکه سنت است **مجموع** می شدن مرد و سر و گوش خود را اگر چه  
 با رقص باشد **نهم** آنکه مرد و وقت و او وقت و در ساقه  
 چوبی را بر او که آن چوب بر تالاف می رسد باشد و در چوبی را  
 و مثل ساق و بر او را تا ساق چوب و در مانند آن و او در آن  
 مرد چوب است و هر چند بالای سر دارد و همچنین چوب است که در  
 دست دارد و آمدن و ساقه چوب بر او رود و بشیند و هر  
 چند آن چوب را تالاف می رسد او باشد و مثل خنجره و غیر آن  
**دوازدهم** سوزانیدن و از زمین بر خاک کردن **مجموع** و **هفتم**  
 ناختن چوب آن که تالاف از خاک است زیادتی باشد **چهارم**















تسببه قلنا ما تقدمت منه تسببه منا أكثر وأنت قلت قلبيه  
يقولك ومعدان ما علمت من الله الحق فقالوا طيب الله  
تخيلا وما تشاء فوافنا هذه وما نألف وفيها كقولك شبه  
سلطان فرسده **م** أنك قد وقت كعبا ثان فوافنا بهما كعبا  
كاه ورويت فأودعنا كعبه است برسد في ذلك فوجدنا  
الكعبه أخصب الفضة من كعبه وعافا بين السهم وأجس فلما  
جئت اليه في الحقل وأدنا فخطا شرفه في الحرب **م**  
أنك جود عينه ونحوه فقام لهم سجاد وسد وان وضعنا  
سابق ودمنا كعبه يوم فقال عبيته وديت ما  
است من باب كاهه وان كاهه ونحوه في جيبه وان عافا  
عوضه **م** أنك كنت في كاهه ففدك وهذا أمكان القليل  
يلك من القليل **م** وان وقت ركبنا ما نعود لك القليل  
ككعبه ووجد في كاهه است كاهه في كاهه ووجد في كاهه  
افراد ركبنا ما نعود كاهه ونحوه في كاهه **م** وان عافا

[illegible]

197

[illegible]





[illegible][illegible]

197

[illegible]





197

[illegible]







نظري

۱۹۱









بگذارد و اگر وقت وسیع باشد و اگر وقت تنگ باشد و هر قدر  
که وقت تنگ باشد نماز را بگذارد و اگر چه بکسب باشد و  
بهر حال که خواهد **و اگر بر شخصی بعد از آنکه**  
**بناز کند** و باشد ظاهر شود که در حال نماز و در سجده  
بجهد و در سجده پیش از قبضه بوده و نماز را اعاده نماید اگر  
وقت باقی باشد وقت آنکه اگر وقت باقی باشد و اگر وقت  
شود که قبله جانب راست و یا چپ است و او بود که وقت  
باقی باشد اعاده نماز اگر وقت گذشته باشد نماز را که اگر وقت  
کافیت و تقاضای آن لازم نیست و اگر نماز هر شود که قبله در پس  
نیت او در یکی از دو جانب او نبوده و درین صورت اگر  
حالی در بدن نیست یا قبله در میان پیش و یا چپ راست بوده  
و یا در میان پیش و در جانب چپ او یا در میان چپ و چپ  
راست و یا در میان پیش و چپ و یا چپ و در صورت  
آنکه اگر وقت باقی باشد نماز را اعاده نماید و اگر باقی باشد

خطی  
نسخه  
۸۹۶

نماز لازم نیست و در صورت تنگ نماز را از آنسو که بر او بود  
وقت باقی باشد و در وقت باقی باشد در آنکه اگر چه در نماز  
و یا چپ و در سجده کردن ساقط است و در سجده آنکه تنگ  
که در جانب قبله باشد و اگر در وقت نماز باشد و در سجده  
و در تنگ است که در آنوقت که پیش از نیت قبله نماز آنکه  
و در چپ نماز آنکه نماز خداوند تنگ است و آنکه که از آنکه من  
نماز را در دو دو نماز و در سجده قبله باشد و در وقت نماز  
تنگ باشد و اگر وقت تنگ باشد نماز را در وقت کفایت  
و در وقت تنگ است که در دو دو نماز یا در وقت کفایت  
بر طبق شود **و اگر در نماز است و در آنکه**  
وقت از چپ آنکه یا قبله است و یا از چپ و در وقت از چپ  
و در چپ و یا است و در وقت از چپ و یا است و یا  
بدان است و یا با نماز وسیع است و یا در وقت از چپ و یا  
در وقت از چپ و یا است **و اگر در نماز است و در آنکه**



مثل و کبر و صدم **و** آنچه بدو آورده آن واجب است و مثل  
 آتش ساز **و** آنچه با اعضا آید در آن واجب است و مثل  
 جود است **و** آنچه زبان آوردن آن است است و مثل  
 شوط خواندن **و** آنچه به خطا آوردن آن است است و  
 شوط خواندن آن محض آنچه در زبان آورده میشود  
**و** آنچه با اعضا آید در آن است است و مثل شهادت  
 به داشتن و معالفت **و** آنچه زبان آوردن آن واجب  
 است و مثل کفر کردن بدو و کفر که میزان و کفر با او  
 آنچه بدو ترک کردن آن واجب است و مثل کفر کردن و  
 بقبول افعال ساز و غیر زبان **و** آنچه با اعضا ترک کردن  
 آن واجب است و مثل و در اعضا آنچه مذکور شد  
**و** آنچه به اعضا ترک کردن آن است است و مثل ترک کردن  
**و** آنچه زبان آوردن آن است است و مثل ترک کردن  
 با وجود و نبودن قرائه اتمام **و** آنچه با اعضا ترک کردن

۸۹۶

است مثل آنکه دست بکشد از بطن و کبر و صدم  
 در هر حال آنکه عشرتیه که سبب لامر است اذنی بهای نه  
 سده بیان کریم که هر یک از این دوازده نوع و از هشت  
 و چهار اسم در تفصیل و از ده ساله مذکور میباشیم **و**  
 میانه که در جمیع دوازده نوع یکسان است و در  
 فعل و اجابت این تفصیل در رکعت اول است و یک فعل و  
 است **و** از میان آن در دو طبقه کردن **و** آنچه  
 در کبر و صدم **و** آنچه در رکعت اول است و در رکعت  
**و** آنچه در رکعت دوم است و در رکعت اول است و در رکعت  
 در رکعت دوم است و در رکعت اول است و در رکعت  
 در رکعت دوم است و در رکعت اول است و در رکعت  
 در رکعت دوم است و در رکعت اول است و در رکعت

آنچه در رکعت اول است و در رکعت دوم است



























در و کج و مذکور شد **و** **آنکه** میانه های یک از هفت  
مضروب برین حالتی می باشد و بلکه باید که همه این مضروب  
بر هفت برین بسند و اگر مضروب می باشد **و** **آنکه** برین  
در هفت مضرب است و مضروب کرده اند **و** **آنکه** برین مضرب و این حال  
که است **و** **آنکه** مضروب را از مضروب و در دست آن و اگر مضرب  
مضروب شود و در آن **و** **آنکه** چون سوز مجده بود و در  
آنکه اگر می گویند **و** **آنکه** در وقت آنکه اگر گفته و در  
را بالا برد و در وسط یک که قبل ازین گفته شد **و** **آنکه**  
آنکه برین و آنوقت **و** **آنکه** گفتن بعد از گفتن آنکه اگر  
**و** **آنکه** در آن وقت بعد از آنکه گفتن و استغفار گفتن  
**و** **آنکه** در میان دو مجده و آنوقت که می بیند بر آن حب  
نشسته و پشت قدم راست را برین که تمام حب گذارد و اگر در  
باشد بر آن نشسته و نشسته و از هر هاند بالا برد و در وقت با هاند  
و برین **و** **آنکه** در وقت مجرور است و استغفار بالا که می

۸۹۶

بر برین که اند و اگر در آن باشد و برین گذارد **و** **آنکه**  
چون در وقت اول یا پس در میان مضروب ها در کف برین مجده  
دوم بود و در وقت نشسته و این را به هشت است و می گویند  
نشسته و مضروب هشت مضروب است و اگر واجب می باشد **و** **آنکه**  
آنکه در وقت است و از هر هاند که در **و** **آنکه** در  
آنکه مجده گذارد که مضروب سوزی و مضروب فاصله شود  
سیا باشد و او مجده که و هر چند از برین است و اگر در وقت  
که مجده که بود و در سوزی باشد **و** **آنکه** مضروب هشت  
مضروب برین باشد یعنی مضروب باشد و استغفار و استغفار  
در برین و برین بعد از مضروب را که است و از این  
و از این و اما آن در وقت که در مجرور مضروب و در وقت  
و از این که برین در مضروب مجده و برین که آن و در وقت  
حاصل شود که اگر در مضروب مضروب است و در وقت  
باطلت **و** **آنکه** در مضروب برین مجده و مضروب و مضروب



9v

[illegible]















و بعد از آنکه پیش نماز یا غنیمت اوقفت از نماز جمعه و در خطبه  
بخواند که هر یک از این دو خطبه مشتمل باشد بر صد و شصت  
حرف از تعالی و صلوات بر پیغمبر آل او علیه السلام و بعد  
از خواندن یک سوره کوتاه و یا یک آیه تائید انعام **و بعد**  
آنکه خطیب در وقت خطبه غزوات ایستاده باشد **ششم** آنکه  
در صورتی باشد **ششم** آنکه هر دو خطب را به پنج نفر از حاض  
ران یا زیاد و بشمارند **ششم** آنکه در مابین دو خطبه قیام  
نماید آنکه هرگاه دو جماعت در دو جا نماز جمعه گزینند و بیست  
که میان ایشان یک خراج یا نثار داده واصله ببرد باشد و چون  
اگر میان ایشان یک خراج یا نثار داده واصله ببرد باشد و چون  
در نماز کرده باشند و نماز هر دو با یکدیگر باشد و یکبار شروع  
صبح و نماز باطل است و اما آن حدیث که هر یک از این دو  
شکر بنما جمعه دارد **و اما** در جمعه که در آنجا آنکه  
در باب طهارت سازگور شد **و اما** در شکر خواندن **و اما**

در باب طهارت سازگور شد  
در شکر خواندن  
در جمعه که در آنجا آنکه

شانه کردن **و اما** در نماز جمعه **و اما** در شکر خواندن **و اما**  
بهرترین و پاکیزه ترین دعوت خود و پیشرفت **و اما** در نماز جمعه  
خوش معطر با عطر **و اما** در نماز جمعه **و اما** در نماز جمعه  
آنکه عالم جماعت را که در نماز جمعه پیشرفت و بعد از آنکه  
بیشتر از جمعه حاضر شود و بعد از نماز جمعه شکر خواندن  
ایشان خواندن شروع شریف باشد اینها از بزرگان نماز جمعه  
**و اما** آنکه خطیب عادل باشد **و اما** آنکه فصیح و شیوا باشد  
**و اما** آنکه در وقت خطبه متواضع و متواضع باشد **و اما** آنکه  
تکبیر کند **و اما** آنکه هر دو خطبه را در یک روز بخواند **و اما**  
که **و اما** آنکه بعد از سلام گفتار و سخن بگوید که مؤمنان  
از نماز جمعه و بعد از آن شروع دو خطبه نماید **و اما** آنکه  
در خطبه بسیار تطویل نکند **و اما** آنکه نماز جمعه در  
وقت خطبه مؤمنان در نماز جمعه **و اما** آنکه مؤمنان در  
خطبه باشند و معنای آنکه هر یک از این دو امر واجب است









تفاوت کردن  
بعد از کتب

و گفته وقت یکی معین باشد وقت یکی موسع تقدیم آنکه وقت  
اول معین است نماید و اگر وقت نسبت بر یکی معین باشد  
واجب است تقدیم نماز بر دیگری و همچنین اگر این نماز جمع شود  
با نماز است یا نماز خوف خانه که عیب و اگر واجب باشد تا اگر  
در اضافی این نماز وقت یکی از نمازهای یومیه و اضافی شود  
حائز است که این نماز را قطع کند اگر وقت تنگ باشد و  
نماز یومیه مشغول شود و چون سلام دهد این نماز از آنجا  
که قطع کرده با تمام باشد **فصل ششم** در نماز است  
و این نماز واجب کفای است و بعضی هرگاه یک شخص بگوید  
از هر کسی ساقط می شود و نماز که درین جهت وقت واجب  
که آن وقت مسلمانی باشد و پیامبر و حکمرانان و مشایخ  
اعمال مسلمانان عیبه آنکه شش سال تمام کرده باشند و اگر که  
که توارش شش ساله است باشد یا بزرگان است  
و گفته اند نماز آنست که معصی بعد از آن تکبیر بگویم

بما في آدود وكرهه استشهدت له إلا الله وحده  
لا شريك له واستشهدت محمد عبده ورسوله بالرسالة  
بما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد وأولاد  
عليه السلام وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كما قبلنا منكم  
ولا نكف وتزمت على أركانهم والكرارهم ذلك جبري  
وبالرسالة سيوم بما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
والكرارهم والكرارهم والكرارهم والكرارهم  
تابع مننا ومنهم بالكرارهم والكرارهم ذلك على  
كل شيء فبما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
الكرارهم ومن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
وأن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
منه والكرارهم وأنت أعلم برسالة الله من أن كان محسنا  
فإن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
يتولا من الآية القاطنين والكرارهم وما ند بشي

١٢١  
٨٩٦

بين وما بين كرهه استشهدت له إلا الله وحده  
عليه السلام وآل محمد والكرارهم استشهدت على محمد وآل محمد  
منه وما بين كرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
بما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
عليه السلام وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد  
ولا نكف وتزمت على أركانهم والكرارهم ذلك جبري  
وبالرسالة سيوم بما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
والكرارهم والكرارهم والكرارهم والكرارهم  
تابع مننا ومنهم بالكرارهم والكرارهم ذلك على  
كل شيء فبما في آدود وكرهه استشهدت على محمد وآل محمد  
الكرارهم ومن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
وأن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
منه والكرارهم وأنت أعلم برسالة الله من أن كان محسنا  
فإن استشهدت على محمد وآل محمد ذلك على  
يتولا من الآية القاطنين والكرارهم وما ند بشي





اگر طاعتی که کم از شش سال داشته باشد با ایشان جمع شود از آن  
 جهت و خداوند در هر سه يك نمازها را است و در عبادت  
 هر يك بطریقی که مذکور شد معتدل آورد و اگر هر سه را در  
 يك دعا شایسته از جایز است و مثل آنکه بگوید **اَللّهُمَّ ارْزُقْهُ**  
**لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَ اَنْتَ اَكْبَرُ** آنکه چون از نماز فارغ شود و پیش نماز  
 مکه آن هنوز ایستد تا وقت که توبت را برود اندک و اما آنکه  
 امر که مکر و حش **اَللّهُمَّ ارْزُقْهُ** فارغیت کارون  
 فایده یا سوره و این نماز خواندن و هر تفسیر باشد **سوره**  
 سلام دادن و آخر این نماز و در وقت که تفسیر باشد و بعضی  
 از جهت همین سلام دادن را درین نماز مکر و تفسیر اند  
 و این نماز در پنج وقت خواندن میتوان کرد از دو جا هر دو  
 باید طهارت مذکور شد و **تفسیر** **اَللّهُمَّ ارْزُقْهُ** در نمازهای کثیره  
 واجب میشود و یا بعد از آن بگوید و شرط نمازی که یکی  
 ازین سه چیز واجب میشود این است که کیفیت آن همانند و

کیفیت نمازهای شیع بنامند پس اگر آن نذ کند که پنج رکعت  
 بیک سلام بیک نماز و یا دو رکعت بجمع از کعبه نذر باطل  
 است و اما اگر نذ کند که سه رکعت بیک سلام و یا یک رکعت  
 بیک سلام بیک نماز در وقت این نذر خداوند واجب است  
 و اگر نذ کند که نماز عید را یا نماز کسوف را و غیره  
 عید و کسوف بیک نماز و یا عید و کسوف است و اگر شخصی نماز واجب  
 را مثل یکی از نمازهای یومیه را نذر کند و نذر او صحیح  
 است و در وقت آن سوگت میشود و اگر بجا نیاورد که او را  
 لازم میشود و بعد از کفار و در باب نذر مذکور خواهد  
 شد **اِنَّ شَاءَ اللّهُ تَعَالٰی** و چون کفار و هدایت مخالفند  
 تخلف می یابد و اما کفار که نماز بجا نیاورد یا نیت بیک نماز  
 را در تخلف نمی یابد و اگر تخلف نذر و در وقت از نماز  
 های نافذ کند و بعضی از جهت همین را واجب آن است  
 که واجب است در هر رکعت بعد از فاتحه سور و بجز این چیزند

در نامه سوره واجب نیست و اگر شخص بداند که هر چه  
در وقت نماز کند در وقت نماز دیگر و وقت نماز دیگر کند و نماز  
او بر طبق شیوه لازم نیست که دیگر در یک نماز و نماز  
کس که در وقت لازم است و اگر شخصی بداند که هر چه  
آورد و نماز او صحیح است و اما اگر نداند که هر چه  
بیاورد و یا آنکه غیر از این باشد و یا طاعت **ششم**  
**فصل** در نمازهای که با عیار و تعب شود و هر که در وقت  
مخصوص نماز واجب باشد و اجابت که در وقت کند که مخصوص  
در اجاره کنند که تا نمازی که در وقت است و یک نماز  
و این وقت است که آن شخص میسر باشد باشد و اگر چه آن  
باشد و نماز نماز در هر چه است چنانکه معیارین مذکور  
خواهد شد و بعد از آن است که در هر چه است و بعد از آن  
در اجاره و نماز نماز است و بعد از آن است و بعد از آن  
نکات متروک است و این است که باید کرد و اگر در وقت نکات متروک است

که این است که در وقت است و بعد از آن است و بعد از آن  
اجاره نماز در هر چه است و بعد از آن است و بعد از آن  
عبارت است و در وقت است که در وقت است و بعد از آن  
اجاره و در وقت است که در وقت است و بعد از آن  
نکات متروک است و این است که باید کرد و اگر در وقت نکات متروک است



میانچه و خفایات و همچنین کوریت خود را بجهت قضا و قضا  
سعد یا جاره دهد بشرط آنکه آنچیز آرد او را بشود تقصیر  
که قبل ازین مدخل در شد **مستحکم** و در شانهای که از  
بدر شخصی فوت شده باشد و چشم و اجابت کفای آن آرد و  
دیوار شکسته و سپر و عیبت که بعد از فوت بود تا آنکه از او  
فوت شده قضا کنند بدو بشرط **اول** آنکه میت در سرچشمه  
نباشد و اگر بزرگتر باشد بر سر که عیبت واجب نیست و اگر  
دو سر داشت باشد یا زیاد و هر در سر را می باشد و عیبت  
از دور را میوت قضا کنند و اگر یک باز باقی ماند  
مثل آنکه چهار سر از خانه و بیخ باز از وضو شده باشد و آن  
سخت قضا آن یک باز برایشان واجب کفای است و بعضی  
هر کدام که بیافا آرد از دو سر کفای است **مستحکم** و اگر  
بدر و میت نگردد باشد که شخص آنکه بر سر بزرگتر و عیبت  
فاز او است یا در کفایت اگر میت کرده باشد در نصرت قضا

فاز بود و او بر سر بزرگتر و ساقط است و بعضی از عیبت  
بشرط آنکه کور و اند و آن آنست که آن فاز بزرگتر و عیبت  
شده از او فوت شده باشد بزرگتر و عیبت از او فوت  
شده باشد و بر سر قضا آن آنست که میت بعضی از عیبت  
شده و در ایام یک ده اند و آن آنست که بر سر بزرگتر و عیبت  
فوت بود و باقی و عیبت باشد که اگر طفل یا عیبت و باقی قضا  
قضا کنند بعد از بلوغ و در عیبت و اند **مستحکم**  
در شانهای استثنای و از آن بسیار است و درین کتاب از آن  
مرد میت و عیبت فاز مذکور و عیبت حیات قبل ازین مذکور  
شد **اول** فاز از آن دل میوت است که هر شب از وضو کفای در آن  
شست و آن عیبت و عیبت است و عیبت و عیبت نافه  
فهرست مقدم آنکه عیبت و عیبت نافه عیبت و مقدم عیبت  
و عیبت از عیبت نافه و عیبت و عیبت و عیبت و عیبت  
و عیبت است این است و است از او و عیبت و نافه عیبت







ابن دماحزله فقام في الساعات المسبح ونبه الامميين السبح  
وما يلهون وما يلهون وما يلهون وهو رب الارض  
والبين وبنو اسرائيل واسحق وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
الشاقي والشاقي المظلم وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
والله هو ملك لا يسلك الا طريق الحق به شدة السموات والارض  
نحوه من غير ان يخلق وبنو اسرائيل الاحياء والحيوات جميع  
وجميع من السموات والارض وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
وكنى البطار اسلكه باين هو كذا ان يخلق من غير  
والله هو وان يخلق في كذا وكذا وليس ما يلهون هو  
بنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
ابن دماحزله ان الله هو ان ادعوك يا دماحزله يستجب لك  
شئ او ذهب مغايبة لعل انك قد دعوته على ما دعت  
والله ان لا اله الا انت سبحانك انى كنت من  
الانبياء فاستجب له فاجبت من الله وكن ذلك في الدنيا

فان دماحزله وهو عبده انا ادعوك يا دماحزله وكن ذلك  
وهو عبده انا اسلكه وانا عبده ان يخلق من غير  
فمنه وان استجب لي كما استجب لك وادعوك يا دماحزله  
سلكه انى اذ شئت الله قد ماك الى سبي الفرس وانت  
او الله الاستجب لى استجب لك واشتقت ما بين يديك  
الله وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
انا عبده وكن ذلك وهو عبده انا اسلكه وانا عبده ان  
يخلق من غير ان يخلق وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
وان استجب لي كذا وكذا ان ادعوك يا دماحزله  
بنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل وبنو اسرائيل  
وما هو وهو عبده انا ادعوك يا دماحزله وكن ذلك  
عبده انا اسلكه وانا عبده ان يخلق من غير  
ومن يخلق من غير كذا وكذا ان استجب لي كذا  
استجب له فاجبت من الله وكن ذلك في الدنيا









تعبده اجترادين و در گهت هست نوبت بگويد الله اعلم  
اشكك بوجهك الكريم و اسبلك العظيم و ملكك القدير  
ان تسلي على محنتي بالخير و ان تقدر لي و تسبر العسير  
انته لا يصبر العسير الا العليل مني و رعبه شديدا  
اودد و رعبه ياجه قبل ان يدرجه لشكره بذكوره  
و اكره و رعبه يكسر كسر كسر كسر كسر كسر كسر كسر  
بعد انان و در گهت باز غليل و رعبه و رعبه و رعبه  
مذكور و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
شور و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
اقامت و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
فارغ شور و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
محنتي و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
ولا شيا فيك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
شكرك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه

شكنا من رحمتك و لا شيا من عافيتك و لا شيا من عافيتك  
و ان شيا من عافيتك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
اليس و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
شكرك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
رحمة و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
و على هو و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
عبد و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
الا شيا و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
رحمتك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
ما ان شيا من عافيتك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
من عافيتك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
ان شيا من عافيتك و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه  
و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه و رعبه













يُنْفِ نُورًا وَيَنْفِئُ نَارًا وَمِنْ فَوْقِ نُورٍ وَمِنْ تَحْتِهَا  
نُورٌ وَأَعْلَى النُّورِ وَأَحْمَقُ نُورًا وَأَسْفَى مِنْهُ فِي النَّاسِ  
وَلَا تُخْفِيهِ نُورُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِإِثْمِ الْكَرْبِ  
قَالَ عُمَرُ بْنُ الْوَلِيدِ وَالْقُلُقُ وَبِغِ آيَةِ إِذَا خَسِرْتُمُ الْآ  
فِرَاءَ لَكُمْ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْخَائِبِينَ وَخَيَالِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَا  
يَأْتِي لَا دُونَ الْبَابِ الْيَقِينُ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا  
وَعَلَى جُحُودِهِمْ وَيَتَذَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَالِغًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ  
وَقِيلَ إِنَّكَ سَمِعْنَا مَا دَنَا بِنَادِي لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبِّ  
رَبِّكُمْ فَاذْكُرُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ وَتُؤْتَانَا مِنَّا  
وَقِيلَ وَتُؤْتَانَا مِمَّا لَا يَرْزُقُنَا إِلَّا رِزْقُنَا مَا وَعَدْتَنَا وَرَبُّكَ وَلَا  
تُخْلِفُ الْوَعْدَ الْيَقِينُ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْوَعْدَ بِسَبْحِ فَاطِمَةَ  
زَهْرَةَ عَلِيِّ السَّلَامِ بِمَا أورد بعد ازان صدق نوبت بگوید که  
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ

خطی  
کتاب  
۸۹۶

إِلَيْهِ وَبَعْدَ اذْهَبَتْ نَبْتَ بَكْرِيدَ لِسَرِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَوَجِدَهُ  
نُكْوِيحًا أورد بطريقه نکه قبل ازین مذکور شد و  
این دعا را نیز بخواند اَللّهُمَّ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَكُنَا فِي الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
وَأَلْوِزِ وَالسَّيْلِ إِذْ أُنِيرَ وَتُطَبِّعُ كُلَّ شَيْءٍ وَاللَّهُ كُلُّ شَيْءٍ وَحَا  
لِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَرَبِّكَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْعَرْشُ كُلُّ شَيْءٍ  
أَفْعَلُ بِلَا بَعْدَانٍ وَقُلَانِ بَعِي نَامِ بَرَادَانِ مَوْسَى دَانِ بَرَادِ  
مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَعْمَلُ لَنَا بِنَا مَا تَعْمَلُ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ  
الْمَقْوَى دَاهِلُ الْمَقْوَى وَهُوَ إِذَا نَارُهَا سَقَى مَا زَيْتُ كَه  
بِخَفَرِ رَسَالَتِ بِنَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِسْمِ اللَّهِ  
وَأَنْ دُونَكَ هَاتِ وَدَرْهَرِ كَيْتِ فَلْيَحْ كَيْسُوبِ وَأَنَا أَرْزُقُنَا  
بِأَرْزُقِهِ نَبْتَ بَخْرُ الْوَالِدِ وَدَرْهَرِ كَيْسُوبِ نَارُهَا أَنْزَلْنَا بِالْأَرْزُقِ  
بَخْرُ الْوَالِدِ وَبِحَمْدِ اللَّهِ وَدَرْهَرِ كَيْسُوبِ أَرْزُقِ وَدَرْهَرِ كَيْسُوبِ وَدَرْهَرِ  
هَرِ سَرِ دَانِ الْبَخْرِ وَبِسْمِ اللَّهِ نَارُهَا كَيْسُوبِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

علیه السلام منسوب وان چهار رکعت است و در هر رکعت  
 فاتحه یکسب و قل هو الله چهار نوبت **حجاء** نماز یکله بخفته  
 قاطر زهر علیه السلام منسوب وان دو رکعت و در  
 رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد صدبار **عجم**  
 نماز یکله منسوب بخفته هفت بار و قل هو الله عشر وان  
 چهار رکعت و در رکعت اول فاتحه و اذا نزلت بخواند  
 و در رکعت دوم بعد از فاتحه و قل و یاات و در رکعت سوم بعد  
 از فاتحه و یا ایا و در رکعت چهارم بعد از فاتحه قل هو الله  
 و قل از هر رکوع سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا  
 الله و الله اکبر بلزوه نوبت بخواند و در هر رکوع و  
 ده نوبت و در هر سه رواشت از رکوع ده نوبت و در هر سجده  
 ده نوبت و در هر سه رواشت از سجده ده نوبت پس از پنج  
 درین نماز سجد هفت گفت میشود و این نماز را اگر در هر  
 یکبار در نوبت عظیم دارد و اگر نیست نشود هر هفته یک نوبت

کتاب

کتب  
 خطی  
 ۸۹۶

کذا دند و الا هر ماه و الا هر سال یک نوبت و اگر بختی نوافل بیتی  
 را باین طریق کذا در نوبت هر دو در بی باید و بعضی از  
 مجتهدین بر آنند که نماز واجب بیتی را باین طریق بجا آید  
 کذا در و مصلی نوبت هر دو را خواهد یافت و جا نوبت کرد  
 هر رکعت اول این دعا را بخواند آن سه سوره قل هو الله بخواند و  
 سنت است که چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند و سبحان  
 من لیس فی القبر و القبر الا که سبحان من من نطق بالحمد و  
 و کرم به سبحان من لا یبقی الا که سبحان من احق  
 کل شیء علیه سبحان ذی الدین و التیم سبحان ذی  
 القدر و الا که التیم انی اسألكم انی اسألكم انی اسألكم انی  
 و منشی از حتمه و کما یاک و یا امیک الاعظم و کما یاک  
 التامیه التي کنت صدقا وعدلا صلی علی محمد و آله و سلم  
 و ان تفعل فی کذا و کذا و بعد از آن حاجت خود را  
 بخواند **ششم** نماز اعرابی وان ده رکعت و در رکعت

تج



کتابخانه  
آستان قدس  
سن ۱۳۷۶

بیک سلام و بعد از آن هفت رکعت و یک چهار رکعت  
بیک سلام و وقت آن جا است و روز جمعه است و در رکعت  
اول بعد از فاتحه قائل عز و رب الملق هفت نوبت بخواند و  
در رکعت دوم بعد از فاتحه قائل عز و رب الناس هفت  
نوبت و چون سلام دهد آیت الکرسی را هفت نوبت  
بخواند و بعد از آن هفت رکعت باقی را یک کار و در هر  
رکعت بعد از فاتحه سوره اوجا کنش نوبت بخواند و تمام  
الله است و نوبت و چون سلام دهد و هفت نوبت بخواند  
که سبحان الله رب العالمین الکریم و لا حول و لا قوة  
الا بالله العلی العظيم **هفتم** نماز طلب باران و آن نماز باران  
است که وند و آن جماعت اقله و سنت است که  
امام و خطبه جمعه مردم را امر کند بتوبه و آنکه سه  
روز بعد از روز جمعه روزه بدارند و در روز سوم که روز  
دوشنبه است چهار روز دیگر در رکعت نیاورد و در رکعت

کتاب  
خطبه  
سن ۱۳۷۶



